**وفیات معاصران (صغیر اصفهانی)**

**همایی (سنا)، جلال الدین**

آقا محمد حسین صغیر اصفهانی فرزند آقا اسد اللّه از دسترنج بافندگی دستی روزی‏ حلال کسب می‏کرد و بداشتن طبع موزون شاعری و سواد خواندن و نوشتن فارسی ما بین اقرانش‏ از پیشه‏وران و دستکاران ممتاز و سرافراز بود.

مرحوم صغیر بسبب استعداد ذاتی و پشت کار و تمرین و ممارست متمادی کم کم در درجهء استادان شهر اصفهان درآمد تا جایی که در این اواخر ما بین گویندگان اصفهان حرمت پیش‏ کسوتی و استادی داشت و احیانا او را بلقب«استاد صغیر»نیز می‏خواندند.

اشعار وی بیشتر در مناقب و مراثی اهل بیت عصمت و طهارت سلام اللّه علیهم اجمعین بود و بزبانی سخن می‏گفت که ما بین عامه مخصوصا جماعت مداحان و مناقب خوانان و مرثیه سرایان‏ مقبولیت و پسند همگانی داشت؛خود او نیز در تربیت این طایفه انجمنها دایر کرده بود و بدین سبب بیشتر مداحان و سخنوران در مجالس و محافل اشعار او را می‏خواندند و این امر کم کم از اصفهان به طهران و دیگر بلاد ایران سرایت کرده و او را شهرتی بسزا داده بود.

مرحوم صغیر در اوایل تأسیس انجمن شعرای اصفهان که مقارن سنهء1334 قمری اتفاق‏ افتاد و محل ثابتش مدتی در منزل مرحوم میرزا عباس خان شیدا بود و از همین جهت به‏ «انجمن شیدا»معروفست بدان انجمن آمد و تدریجا یکی از اعضای ثابت آن مجمع گردید و همه‏ هفته روزهای جمعه حضور می‏یافت و مراقبتی مخصوص در این‏باره داشت.

اولین روز که وارد انجمن شیدا شد این حقیر نیز آنجا حضور داشتم با رفیق قدیمش‏ مرحوم آقا رجبعلی گلزار آمدند و از همان روز اول آثار رشد و ترقی از ناصیهء سخن و طبع‏ او پیدا بود و بدین سبب مورد تشویق اساتید آن انجمن مخصوصا میرزا محمد سها و میرزا شکر اللّه منعم که از مشایخ گویندگان آن زمان بودند واقع گردید؛و مرحوم صغیر از این دو استاد بویژه مرحوم منعم که برادر طریقتی او نیز گردید؛فراوان کسب فیض کرد و در آغاز احوال اشعار خود را غالبا بر مرحوم منعم می‏خواند و از تصرفات استادانهء او تمتع می‏برد.

مرحوم صغیر در قصیده و غزل هر دو طبع آزمایی می‏کرد اما بیشتر اشعارش مدایح و مناقب و مراثی اهل بیت طهارت و عصمت بود که مداحان و سخنوران همه‏جا بنام او می‏خواندند؛ و این امر قبل از وی متعلق بمرحوم میرزا یحیی بیدآبادی و پیش از او مخصوص میرزا حسن کفاش اصفهانی بوده است که دیوان او را در حدود پنجاه هزار بیت دیده‏ام.

مرحوم صغیر ذاتا اهل صفا و ایمان بود و بدین سبب در سال 1338 قمری خدمت سید العارفین مرحوم آقا میرزا عباس پا قلعه‏یی ملقب به صابر علیشاه نور اللّه مرقده الشریف‏ که از مشایخ بزرگ سلسلهء نعمةاللهی بود رسما مشرف بفقر نعمة اللهی گردید و از آن تاریخ‏ ببعد چاشنی تصوف و عرفان بر لطف گفته‏های او بیفزود.

دیوان وی در زمان حیاتش ده دوازده بار تجدید طبع شده و این مایه از مقبولیت عامه‏ و تکرار طبع دیوان شاعر در دوران حیات خودش تاکنون برای دیگری اتفاق نیفتاده است.

نسخه‏یی از طبع سوم دیوان خود را در سنهء 1330 شمسی و 1370 قمری باین بنده مرحمت‏ کرده و دو بیت ذیل را بخط خود در پشت آن نسخه مرقوم داشته است:

پذیرد همایی گر این هدیه را برای صغیر این جلال است بس‏ سلیمان پذیرفته ران ملخ‏ همایی پذیرفته بال مگس

ولادتش در سیزدهم ماه رجب از سال 1312 قمری هجری به اصفهان و وفاتش در مرداد ماه 1349 شمسی و 1390 قمری هم در اصفهان واقع شد.

ناگفته نگذریم که ما بین شعرای اصفهان گروهی را می‏شناسیم که اهل کسب و کار و پیشه‏ و هنر بوده و از دسترنج خود معیشت می‏کرده‏اند.مرحوم رجبعلی گلزار که دوست صمیم‏ قدیم مرحوم صغیر بود پیشهء قلمزنی داشت قبل از ایشان مرحوم آشفتهء اصفهانی که در گویندگان معاصرش مانند مسکین و پرتو و عنقا و عمان به استادی و پیش‏کسوتی شناخته‏ می‏شد شغل سراجی داشت و ازهمین شغل معاش می‏کرد.قبل از وی ما بین شعرای عهد زندیه‏ و اوایل قاجاریه آقا محمد عاشق اصفهانی شاعر مشهور شغل خیاطی داشت؛آقا محمد ابراهیم رهی اصفهانی قصاب و ملا حسین رفیق اصفهانی سبزی فروش؛و عارض‏ اصفهانی پاره دوز و عامی اصفهانی کرباس فروش بودند؛میرزا عبد اللّه شعف که‏ اصلا قمی و ساکن اصفهان بوده است پیشهء کفاشی و موزه دوزی داشت.انصاف را باید بر آن‏ شهر هنرپرور ادب آفرین،آفرین گفت که در میان کاسبان و پیشه‏وران بازارش هم استادان شعر و ادب و گویندگان خوش طبع برخاسته‏اند!

از خصایص آن طایفه آنست که بیشتر به غزلسرایی می‏پردازند و اگر احیانا مانند مرحوم صغیر طبع قصیده ساز نیز داشته باشند قصاید آنها بیشتر در مدح و منقبت ایمه و بزرگان‏ دین است و گرد مداحی حکام و سلاطین و ارباب مناصب نمی‏گردند و از راه صلهء شاعری که احیانا با کدیه توأم بوده است گذران نمی‏کنند.

مرحوم صغیر نیز از همین طایفه بود و از منقبت و مراثی ایمهء دین تجاوز نمی‏کرد جز این‏که گاهی بمناسبت جشنها و عیدهای مذهبی بمدح مشایخ طریقت خود که آن نیز جزء عقاید دینی و ایمانی او محسوب می‏شود سخن می‏گفت.رحمة اللّه علیه رحمة واسعة.

این حقیر دو قطعه در رثاء و ماده تاریخ وفات وی ساخته‏ام بدین قرار:

صغیرا در عزای تو که از اهل سخن بودی‏ مزد کز دل برون آید فغان من نفیر من‏ سخن‏گوی صفاهانی بسوک تو همی‏گوید تو رفتی لیک یاد تو بود نقش ضمیر من‏ صغیرت نام باشد لیک در معنی کبیری تو صفاهان گوید افسوسا صغیر من کبیر من بنالد در غمت یکتا بموید بهر تو کیوان‏ بگرید در فراق تو شکیب من بصیر من‏ ادیب اندر عزا غمگین متین اندر نوا شیدا سخنور نوحه‏گر کآوخ کمال من ظهیر من‏ بمدح و مرثیت کاندر حق آل نبی گفتی‏ بجنت در همی نازی که حق شد دستگیر من‏ بتاریخ وفات تو بسیر آفتاب و مه‏ خرد گوید«صفیر از ما»سنا گوید«صغیر من»

1349 1390

تاریخ دیگر:

چونکه حسین صغیر شاعر مشهور آنکه ز انواع نظم ساخته دیوان‏ از در عرض خلوص آل نبی را مرثیه بسیار گفت و مدح فراوان‏ منقبت و مرثیت که طبع وی آورد آیت دین حق است و مظهر ایمان‏ بانگ رسای مدیحه خوان و سخنور صیت وی افکند در سراسر ایران‏ شمع حیاتش ز تند باد اجل مرد داغ فراقش بماند در دل اخوان‏ جست در ایوان خلد مسکن و مأوی‏ از ره اسلام پاک مسلک عرفان‏ شمع سخن بود و چون بمرد سنا گفت‏ «شمعی از جمع شاعران صفاهان»

بتاریخ مرداد ماه 1349 شمسی موافق 1390 قمری هجری‏ جلال الدین همایی(سنا)

سید محمد هاشمی کرمانی

در شهریور ماه 1349 سید محمد هاشمی کرمانی برحمت ایزدی پیوست.مرحوم‏ هاشمی مردی دانشمند و نویسنده و شاعر بود.در کرمان سمت دبیری داشت،بعد به وکالت‏ مجلس انتخاب شد،و چون از وکالت کناره گرفت ریاست چاپخانه مجلس شوری و مجلهء رسمی را یافت.روز نامهء اتحاد ملی که منتشر می‏شود و ان‏شاء اللّه عمری بسیار طولانی خواهد یافت از یادگارهای اوست.